



۲۰۱۶/۰۳/۱۴



سیدهاشم سدید

قصر دارالامان

نباید به پول وطن فروشان ترمیم گردد!

پیشنهاد هموطنی به نام بیکمراد تاش برای ترمیم قصر دارالامان به پول به اصطلاح "وارثان اقتصادی جهاد" طوری

که دیده می شود از سوی یکی - دو تن با علاقمندی مورد تأیید قرار گرفته

است، ولی از نظر بسیاری از مردم این کشور، این پیشنهاد دانسته یا ندانسته کوششی است در

راستای کشیدن پرده ای به روی هزارها جنایت جانیانی که نه تنها شهر کابل را با خاک یک

سان ساختند، که کم و بیش یک صد هزار انسان بی گناه، اعم از طفل و پیر و جوان و زن و

مرد را در این شهر در عرض کمتر از ده روز با بیرحمی و شقاوت تمام به قتل رساندند.

شاه امان الله خان مرحوم شخصیت بزرگ، باشرف، ملی، مترقی، درست کار، صادق و پاکی بود. قصر با شکوه

دارالامان که با علاقمندی خاص آن مرحوم ساخته شد، و بسا خشت ها و سنگهای آن را این آزادمرد دلیر به دست

های خویش به دست اوستا کاران برای اعمار دیوار های آن داده بود، یکی از یادگار بسیار ارجمند و عزیز وی برای

ما و برای تاریخ کشور ما است.

چنین قصری را با پول رشوت و اخاذی و اختلاس و دزدی و تقلب و قاچاق و خیانت و وطن فروشی نباید ترمیم

کنیم؛ به چند دلیل:

اول) با چنین کاری بدون تردید روح این مرد نجیب را سخت از خود آزرده خواهیم ساخت. مردی که قلبش تنها

برای آزادی، ترقی، سربلندی، نیرومندی و استقلال وطنش می زد، هرگز، اگر زنده می بود، نمی گذاشت هیچ یک

از یادبود های مورد علاقه اش با پول قاچاق و خیانت و وطن فروشی ترمیم گردد. ترمیم قصر دارالامان از پول

کسانی که تا همین اکنون عملاً در خدمت بیگانگان قرار دارند و تمام سرمایه های شان از راه وطن فروشی به دست

آمده به عقیده من بزرگ ترین توهینی است که ما می توانیم به آن مرحوم کنیم.

بناء به خاطر احترام به این شاه مترقی، ملی، پاکیزه خو و محصل استقلال وطن و قدردانی از افکار مترقی وی نباید

اجازه دهیم خرابی های قصر دارالامان با پول کسانی که در ویرانی این قصر و ویرانی تمام شهر کابل نقش داشتند،

حتی اگر آن ها برای این کار حاضر شوند، که هیچ فکر نمی کنم، ترمیم شود. ملت افغانستان بدون آنهم به دو دلیل

وام دار این مرد سترک است:

۱- زمانی که او را در برابر حبیب الله معروف به بچه سقا تنها گذاشتند؛ و ۲- زمانی که گذاشتند جنازه او خلاف وصیتش به جلال آباد انتقال و دفن گردد. یادآوری این نکته بدان معنی نیست که من طرف دار انتقال میت وی به کابل هستم. اعتقاد من همین است که سنگ به جایش سنگین است. و به کاری که شده است تن بدھیم. به فکر من چنین انسان والائی هرگز مستحق این چنین جفائی کلان و نمایان نیست که یکی از یادگار های معروف و مشهورش با پول های که از راه های ناروا، غیرقانونی، ممنوع و خیلی شرم آور به دست آمده است ترمیم گردد. من شخصاً به هیچ وجه با این پیشنهاد موافق نیستم!

دوم) با ترمیم قصر دارالامان از پول وطن فروشان، بیگمان مردم نمی خواهند چهره زشت و کریه جنگ سالارانی را که تمام شهر کابل، به شمول قصر زیبا و تاریخی دارالامان را در جریان کمتر از ده روز به تل خاکی تبدیل کردند و در حدود یک صد هزار از شهریان کابل را به دردناک ترین حالت ها کشتند به تصویری از انسان های خوب و ملی مبدل سازند - هرچند چنین امری به مشکل متصور است، اما فراموش نکنیم که آنچه از راه چشم و به تکرار به ذهن انتقال می یابد بیشتر به ذهن باقی می ماند تا آنچه از راه گوش و به ندرت به ذهن انتقال می یابد.

سوم) بنابراین برای زنده نگهداشتن خاطره های تلخ و جان گداز جنگ های کابل در حافظه تاریخ، به خصوص حال که خرابی های شهر تقریباً به صورت کلی دو باره آباد شده است، باید قصر دارالامان اصلاً دو باره ترمیم نشود. بهتر است این قصر به عنوان یادگار جنگ های کابل و اثرات دلخراش آن به همین شکل مخروبه نگه داشته شود.

در کشور آلمان، در شهر برلین کلیسائی را که در جریان جنگ عمومی دوم قسماً تخریب شده بود، به همین هدف به همان شکلی آسیب دیده اش، به رغم این که بنای تاریخی و مهمی بوده است، تا امروز نگه داشته اند.

چون از کلیسای قسماً ویران استفاده ای صورت نمی گیرد، در کنار آن، طوری که در عکس طرف راست دیده می شود، کلیسای جدیدی را بشکل مدرن اعمار نموده اند.



چنین یک یادگاری در کشور جاپان هم به خاطر نفرت از جنگ و تبلیغ برای صلح، موجود است. در کشور آلمان، به خصوص در کشور پولند، لاگر ها، کوره های آدم سوزی آثار دیگری از جنگ عمومی دوم هنوز هم به همان شکل تخریب شده آن ها موجود است و همه ساله هزاران انسان از آن ها دیدن می کنند.

غرض از این کار این است که مردمان جهان جنایات، بیرحمی ها و آثار مخرب جنگ و نتایج داشتن تفکرات استبدادی و مطلقه را فراموش نکنند - اگر چه در بعضی موارد این اندیشه در عمل و در برخوردهای سیاسی در سطح جهانی نادیده گرفته میشود!!

به جای اعمار مجدد قصر دارالامان پیشنهاد من این است که:

- در قدم اول عکس های از دو حالت قصر، یکی قبل از ویرانی آن و دیگری بعد از ویرانی اش، به بزرگی حداقل پنج متری در پنج متر در کنار هم، در صحن قصر نصب گردد.



قصر دارالامان بعد از تخریب

قصر دارالامان قبل از ویرانی

در قدم دوم، زیر هر عکس مطالبی مربوط به آن عکس نوشته شود. به طور مثال زیر عکس اولی اسم، مقام دولتی، منزلت، افکار، کار های اجتماعی - سیاسی - ملی کسی را که به ابتکار وی این تعمیر باشکوه اعمار شده بود، همراه با تاریخ اعمار آن، بنویسند. و زیر عکس ویران شده قصر، تاریخچه جنگ های کابل، نام رهبرانی احزابی که این جنگ ها را به راه انداخته بودند، نام احزاب و کارنامه های رسوای بعدی شان، با عکسی از شهری با خاک یک سان شده کابل و ذکر تعداد مقتولین جنگ های کابل، انواع جنایات و وحشت آفرینی های احزاب به اصطلاح جهادی، مخصوصاً سیاف و عبدالعلی مزاری نوشته شود تا خاطره جنگ های کابل و همه کشته ها و ترس و تروری که طی آن اتفاق افتاد هیچ وقت فراموش مردم نشود؛ و هم نسل های آینده آگاه شوند که زمانی شهر کابل چگونه به دست یک مشت انسانان درنده خو، قدرت طلب، جانی، نانسان و وطن فروش ویران گردید، هزاران انسان به قتل رسید و چگونه کشور شان با جاه طلبی های شرم آور این انسان ها به لبه پرتگاه نابودی کامل کشانده شد. وجود خاطره جنگ ها و قید نام انسان های جنگ طلب و جنگ افروز برای دانستن قدر و ارزش صلح و نفرت از جنگ و جنگ افروزان از یک طرف و تفکیک انسان های خادم و خائن به ملک و وطن از طرف دیگر، بسیار ضروری است. چنین خاطره ها باید، به هر قیمتی است، حفظ گردند!

پایان